

نامه قدردانی نجیبه صالحی به دلسوزان و مبارزان

نجیبه صالح زاده

بیست چهارم آذرماه هشتاد و شش

به همه دلسوزانی که جویای حال محمود، من و فرزندانم هستید. به همه مبارزانی که امنیت خود را به خطر انداخته و به طرزی خستگی ناپذیر در جهت آگاهی پیرامون وضعیت محمود و برای مداوا و آزادی او تلاش میکنند.

من و فرزندانم در یکی از سخت ترین لحظات زندگیمان قرار داریم. من مثل یک مادر، یک همسر و یک همسفر از درون میسوزم. شمع وجود محمود صالحی، این عزیزترینم در برابر چشمانم آب میشود. محمود فقط یک شوهر عزیز و پدر دلسوز نبود. او الهام بخش من در موضعگیریهای درست، طبقاتی و سیاسی است. او پیشاهنگ من در زندگی اجتماعی است. او مظهر یک کارگر آگاه، سمبل نفرت از استثمار و تبعیض و نماد مبارزه با زورگوئی است. او پرتو افکن مسیر یک مبارزه طبقاتی - کارگری به شیوه انترناسیونالیستی است. همین او را به چراغ فروزانی در برگزاری مراسمهای مستقل اول ماه مه و تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری تبدیل کرد. کوردلان بر آنند تا این چراغ را خاموش کنند، ولی غافلند که پرتو این چراغ بر میلیونها قلب تابیده و خاموش شدنی نیست.

این خصوصیات، دلسوزیهای همه جانبه و گسترده ای که نسبت به محمود و امر مبارزاتیش نشان داده میشود و تلاش وسیعی که برای آزادی و مداوای او در جریان است همه قوت قلب من هستند. محمود تحت عنوان تلاش برای برگزاری اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر، زندانی شده است، که بخشی از مبارزات طبقاتی و موثرش در مورد شرایط کار و زندگی کارگران ایران و انعکاس حق طلبی و مبارزه جوئی آنان در زندان است. به سبب رویاروییهای جسورانه اش با عوامل سرمایه در بند است، به علت تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری در حبس است. او الهام بخش مبارزه به شیوه متشکل است.

محمود زجر میکشد. درستتر بگویم دارند او را زجر کش میکنند. قرار بود او یک سال زندانی شود و صرفاً از حقوق اجتماعی محروم باشد، اما او را از مداوی بیماری حاد کلیه محروم کرده اند!، اظهار نظرهای دکتر متخصص کلیه را نادیده گرفتند و عملاً او را از هرگونه مراقبت تخصصی محروم نمودند. در نتیجه این اقدامات که آگاهانه انجام گرفته اکنون محمود در موقعیت بسیار بدی قرار دارد. شش روز است که آب بدنش دفع نشده و خطر سرایت سم به خونش وجود دارد. پاهایش زخم درآورده است. فشار خونش در نوسان است و چند بار بیهوش شده است. در یکی از این موارد سرش به شدت به زمین خورده و امکان صدمه مغزی وجود دارد. تاکنون هیچ دکتر متخصص بیماریها کلیوی به بالین او نیاورده اند. حتی اگر دکتر کلیه هم بیاورند بیمارستان توحید سندانج دارای امکان پیشرفته و مورد نیاز محمود نیست. مقامات قضائی با این شیوه برخورد چه چیز را میخواهند به اثبات برسانند

آیا عدم مداوای محمود با توجه به وخامت جسمی وی و نگاه داشتن او در زندان چه چیزی را در اذهان عموم منعکس میکند جز اینکه محمود باید عمداً به این وسیله تا ورطه نابودی کشیده شود!! آیا این فسمتی از مجازاتی است که قبلاً برای محمود تنظیم کرده اند؟! آنها دارند پیام میدهند که هر کس علیه سرمایه و دستگاههای حامی آن بپا خیزد، حتی اگر شهرت جهانی هم داشته باشد در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. آنها در این راه چنان پیش میروند که حتی آبرو ریزی بیشتر دستگاه قضائیشان را به جان میخرند. اما ما به اتکای به تشکلهای و اعتراضات کارگری و فعالین کارگری، پزشکان انساندوست و همه انسانهای آزادیخواه باید در مورد این بی حقوقی ایستادگی کرد این چراغ باید همین امروز و در میان ما فروزان بماند.

نجیبه صالح زاده

جمعه ۲۳ آذر ماه ۱۳۸۶